

# زیبایی ترسناک آثار صادق تبریزی

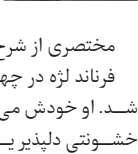


جاویدمرضانی

اکویناس فیلسوف متاله مسیحی می‌گوید آن چیزی زیاست که ترسیدن از آن لذت‌بخش باشد... زیبایی در هنر صادق تبریزی از این دست است... آغشته به سرنوشت

## یادداشتی درباره فرناند لژه، نقاش فرانسوی

# نقاشی یک نوع خشونت دلپذیر است



ترجمه: داودشهدی

مختصری از شرح زندگی هنرمند:

فرناند لژه در چهارم فوریه ۱۸۸۱ در ارژانتان نرماندی متولد شد. او خودش می‌نویسد پدرم بعدها از نقاشی به‌عنوان خشونتی دلپذیر یاد خواهد کرد. بین سال ۱۹۰۵ تا ۱۹۰۶ در «گرس» اقامتگزید و در این مدت تحت تأثیر «Cezanne» تصاویری که از ۱۹۰۵در تابلوهای «فرناند لژه» ظاهر شدند به سزنان، تابلوهایی از مناظر این جزیره نقاشی کرد و در بازگشت به پاریس بود که زندگی او به‌طور مطلق به نقاشی محدود شد. باوجود بی‌علاقگی به امپرسیونیسم، همواره نقاشی‌های سزان مورد توجه او بودند. در این هنگام به کو بیسم روی آورد، روش و سبک نقاشانی مثل پابلو پیکاسو و براک «Braque» و در سال ۱۹۳۵ نمایشگاهی در «موزه هنرهای مدرن نیویورک» و همچنین نمایشگاه دیگری در «انستیتوی هنر شیکاگو»، ترتیب داد و در «خانه پیرماتیس» «Chez Pierre Matisse» با هنرمندانی چون: ماسون Masson، تانگی Tanguy، برتن Breton، ماکس ارنست Max Ernst، شاگال Chagall، موندریان Mondrian، اوزانفان Ozenfant و زادکین Zadkine آشنا شد. در لندن، برای معرفی آثار او ترتیب داد. در همین زمان او مجموعه‌ای از نقاشی بر روی شیشه برای چند کلیسا به وجود آورد. بالاخره در سال ۱۹۵۵ برنده جایزه بزرگ بی‌ینال سان‌توپولو شد و در بازگشت به پاریس در ۱۷ آگوست همان سال درگذشت. در سال ۱۹۶۰ یک نمایشگاه از آثار او در موزه هنرهای مدرن پاریس به نمایش گذارده شد.

آنان را ناخواسته فراتر از جهان مدرن قرار داد؛ چراکه بار فرهنگی عمیق و پرتکاپویی را بر دوش کشیدند و به آیندگان تحویل دادند.

این هنرمندان هرکدام روایتی دارند و در پشت‌اشیائی که تولید کرده‌اند، گوشه‌های پیدا و پنهانی شکل گرفته که خوانش آن مستلزم بررسی همه‌جانبه و جامعی است. تبریزی نماینده هنرمندانی است که در میان گذشته و آینده قرار گرفته‌اند. آنان درگیر استحاله‌ای دردناک بودند و برای بودن و بقا سخت تلاش کردند، موج تجدد تیغ برنده انتقاد از خود را در کف آنان نهاده بود و در برابر این حکم زمانه سفته گردیدند.

در ششم جولای سال ۱۹۶۴ (۴ تیر ۱۳۴۳) زمانی که نخستین نمایش تالار ایران شکل گرفت، تبریزی ۲۵ساله در گروه ۱۲ نفری هنرمندان مؤسس این گالری آثار خود را به نمایش گذارد. کریم امامی در متن نقد تجسمی ستون کیهان انگلیسی از او به‌عنوان سفالگری موفق نام برد که نخستین آثار روی پوست را برخواسته از نقوش هنرهای بومی ارانه داده است. هنرمندان تالار ایران در تعهد به هنر تجربیدی یا به گفته امامی هنر انتزاعی و در مقابل هنر پیکرمانا شروع به همکاری کردند و مدرن‌ترین گالری زمان خود با تعهد به تحولات فرهنگی و اجتماعی و گسترش خوانش و سواد تصویری جامعه را تأسیس کردند.

تبریزی در چرخش بین هنر انتزاعی و تجرید سنتی تصور می‌کرد. او در نمایش خود در گالری سیروس پاریس سال ۱۳۵۰ خورشیدی آثاری به نمایش گذارد که میشل تاپیه منتقد هنری آنان را هنر والا نامید، تاپیه مبعد اصطلاح هنر آن‌فرمال (unformal) در تبیین هنر دهه ۵۰ بود. صفت والایی را به‌عنوان زیبایی‌شناسی فلسفی و عنصر اصلی هنر مدرن به کار می‌برد. این نمایش نقطه اوج تبریزی شد، وی هنر مدرن انتزاعی را از آن خود کرد و به هنر زمانه و سبک قالب، پاسخی درخور داد.

تبریزی در دهه ۶۰ این اعتبار را در جهت گسترش هنر تجربیدی ایرانی خرج کرد و پس از بازگشت به ایران در مدار آنچه تفکر عمومی جامعه خواستار آن بود، تولید کرد. وی هوشمندانه با بازگشت به موتیف‌های سنتی و تکیه بر تکنیک والای خود سعی بر گسترده‌کردن هنر بومی در لایه‌های جریان مدرن داشت. تأثیرگذاری و حمایت او از هنرمندان مدرن همبای خود مانند عربشاهی و پیلارام و… همچنین هنرمندان بومی در سبک‌های (صورت‌سازی) قهوه‌خانه و تجمع آثار هنری مانند نقاشی پشت شیشه مفهومی مغفول‌مانده است. تبریزی در مقام مجسمه‌دار با سفارشات و خرید این مجموعه‌ها حمایت و رویکرد خود را به‌خوبی نشان داد، دریغ است که با عدم بررسی و ارائه مجموعه وی به پژوهشگران و علاقه‌مندان تبیین تاریخ هنر مدرن ایران این حقایق در لایه‌هایی افسانه‌ای و شفاهی جای گیرد.

تبریزی یک نقاش‌زاده بود، او در بیوگرافی خودنگاره، پدرش را نقاش ریزه‌کار خواند. وی به خوبی به لحن هنر بومی و جریان زنده هنر در زندگی مردمان گذشته اشرف داشت و رویکرد اجتماعی هنر سنتی را می‌شناخت و سعی در تطبیق آن با جهان جدید داشت.

او تنها یک هنرمند نبود، او در تلاش برای جریان‌سازی در هنر معاصر در سال ۱۳۵۲ نگارخانه ۶۶ را تأسیس کرد تا بتواند مرکزی برای رویکرد خود شکل دهد. نمایش پیش‌روی شما در همان مکان شکل گرفته، اگرچه نامی دیگر بر خود دارد اما کماکان روح نظرات وی در این دوران و در این مکان جاری است.



تجسم احساس خویش استفاده کند.»

او می‌خواهد که تابلو نقاشی برای بیننده یک ایده یا یک احساس الهام‌بخش باشد. نقاشی‌های لژه از ساختمانی جامد و پیچیده از حجم‌ها تشکیل یافته است. او از رنگ به‌عنوان مشخص‌کننده دو نکته اصلی استفاده می‌کند: «زندگی عناصر» و «تضاد همبستگی‌ها». در سال ۱۹۱۲ با به‌وجودآمدن تابلو «زن در آبی» «La Femme En Bleu»، فرناند لژه ابراز کرد: «من می‌خواهم به متن‌هایی که خود را از محیط جدا می‌سازند برسم. یک قرمز خیلی قرمز، یک آبی خیلی آبی.»

«دولونای» «Delounay»، به طرف برهنگی کشیده می‌شود و من مستقیما به طرف صداقت رنگ‌ها... در سال ۱۹۱۲ من رنگ‌هایی خالص در یک فرم هندسی یاقتم، برای مثال: «زن در آبی». در این تابلو احساس می‌کنم که بالاخره توانسته‌ام خود را از تأثیر سزنان رهایی ببخشم و درعین‌حال امپرسیونیسم را نیز به دور افکنم. رنگ‌آمیزی‌های او همگن و زنده هستند – با خطوطی مشخص – و این درخششی است در نقاشی لژه، در سال‌هایی که به جنگ جهانی اول منتهی می‌شوند، به «کلاسیسیسم» متمایل می‌شود و خود نیز بدان آگاه است. در جنگ جهانی اول به اتفاق «سراک» و «تزینگر» و بعضی از همکاران به جبهه رفتند.

«چهار سال بدون رنگ» بدین‌سان است که لژه از جنگ سخن می‌گوید. ولی در این جهان بدون رنگ، لژه کشف بزرگی می‌کند. از زمانی که محیط آتلیه خویش را ترک گفته با حقیقت روبرو شده است. او قادر به شناسایی توده مردم و زبانشان

### اخبار برگزیده

#### ضربه‌قلم‌های بهمن بروجنی



نمایش انفرادی آثار بهمن بروجنی ۱۷ تیر ماه در گالری آرت‌بیشش برگزار می‌شود. این نمایش با ۱۶ اثر جدید از بروجنی شکل گرفته است. بهمن بروجنی سال ۱۳۲۱ در بروجن به دنیا آمد. او مدرک کارشناسی ارشد را از دانشکده هنرهای تزئینی دریافت کرد و مدتی به تدریس در دانشگاه هنر تهران، دانشگاه تربیت مدرس و هنرهای دراماتیک پرداخت. او به فرانسه مهاجرت کرده و با دریافت یکی از مهم‌ترین مدرک‌های هنری از این کشور به تدریس پرداخته است. او دکتری هنری خود را از دانشگاه سوربن پاریس گرفت. بروجنی بیش از ۲۰۰ نمایشگاه فردی و گروهی را برپا کرده و از جمله فعالیت‌های اجرایی این هنرمند، می‌توان از تابلوی دیواری سفالین ۶متری در کاخ کشاورزی با موضوعیت منطقه‌البروج یاد کرد. در بخشی از استیتمنت این نمایش انفرادی از آثار بهمن بروجنی نوشته شده: «بهمن بروجنی را می‌توان یکی از مدرنیست‌های ایران نامید. فارغ از نقش مهمش در آموزش دانشگاهی و فضای آکادمیک در دوران انقلاب و پس از آن، جلوه‌های متعددی از رویکرد مدرنیستی را می‌توان در آثارش جست‌وجو کرد. شاید به‌واسطه همین دلبستگی بود که در ابتدای دهه ۱۳۷۰ تهران را به مقصد فرانسه، خاستگاه مدرنیسم، ترک کرد و در حدود دو دهه نامش در هنر ایران کمتر به گوش رسید، با این وجود یک دهه است که به هنر ایران بازگشته است. توانایی بروجنی در ساختن تصاویری است که انگار در زمانی کوتاه و با ضربه قلم‌های متعدد که از هر سمت‌وسو بر روی بوم فرود آمده، خلق شده‌اند.»

بازدید از این نمایشگاه تا یکشنبه ۲۶ تیرماه هرروز از ساعت ۱۱ تا ۲۰ و جمعه‌ها از ۱۶ تا ۲۰ در گالری آرت‌بیشش به آدرس: تهران، خیابان شریعتی، پلین‌تر از حسینیه ارشاد، خیابان کوشا، خیابان ناصری، خیابان قندی (درا)، پلاک ۶ برای علاقه‌مندان مهیاست.

### «هجوم ۲» با آثاری انتزاعی

نمایشگاه آثارعلی فرامرزی در گالری هدایت



آثار علی فرامرزی با عنوان «هجوم ۲» روز جمعه ۱۷ تیرماه در گالری هدایت به نمایش درمی‌آید. علی فرامرزی، متولد ۱۳۲۹ در تهران است. او نمایشگاه‌های انفرادی و گروهی بسیاری را در کارنامه دارد. علی فرامرزی توانست در سال ۱۳۶۷ نمایشگاه انفرادی خود را در موزه هنرهای معاصر تهران برگزار کند و بعد از آن هم در سومین نمایشگاه گروهی در همان مکان شرکت کرد. در سال ۱۳۷۶ علی فرامرزی به‌عنوان عضوی از اعضای هیئت‌مدیره انجمن نقاشان ایران انتخاب شد. این نمایشگاه با ۲۵ اثر از این هنرمند با تکنیک آکرلیک و در ابعاد بزرگ ارائه می‌شود. این آثار بیشتر به سبک انتزاعی خلق شده‌اند. کالری هدایت در تهران، خیابان استاد نجات‌الهی، کوچه ششم، پلاک ۱۵ واقع است.



احساسات خود مانند خشم، خوشی، غم و… اتفاقی را در آسمان رقم می‌زد و به‌این‌ترتیب آسمان رای وایو بستر شیدایی او محسوب می‌شد. آن چنان که در استیتمنت اثر آمده: «وایو ای ایز یاد در ایران، در میان

دنیای تاریکی و نور جاری، تو نیک کردار، ویرانگری، آوایت رعدآساست و چون پیش می‌تازی. در آسمان‌ها ابرها بی‌فروزی و چون بر زمین جولان دهی توده‌ها و غبارها را چرخان بر آسمان بری و آن‌گاه است که گردبادها، برف، باران و تگرگ بیافزینی، چون بیاسایی، شیدایی‌ات پایان یابد آسمان و زمین در سکون قرار گیرد.»

به جز الهام از سمفونی ویوالدی به‌طورکل چه پیوندی میان ریتم طبیعت و موسیقی شما را به سمت این تلفیق سوق داد؟ گویی طبیعت، سمفونی از فرم و رنگ را در آسمان پدید آورده است که بی‌شک در بسیاری موارد منبع الهام موسیقی‌دان‌های گذشته و امروز قرار گرفته است. درواقع دو شباهت را که عامل الهام من نیز بوده، نیز به نمایش گذاشتم و سعی داشتم که مخاطب نیز این پیوند را احساس کند.

«شیدایی وایو» تا ۱۵ تیرماه در گالری شلمان پریاست. علاقه‌مندان می‌توانند همه‌روزه برای بازدید از این نمایشگاه به نشانی تهران، میرداماد، نرسیده به شریعتی، رودبار غربی (جنوبی)، کوچه کاووسی، پلاک ۲۷ مراجعه کنند.